

مبانی فقهی و حقوقی پرداخت نفقه به زن در ایام عده وفات

سیدمصطفی سعادت مصطفوی*
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۴

ابراهیم جلالیان**
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۳۰

چکیده

یکی از رویکردهای مجلس قانونگذاری بعد از انقلاب اسلامی ایران، اصلاح موادی از قانون مدنی به جهت تعمیم و گسترش حمایت‌های قانونی از زنان بوده است. ماده ۱۱۱۰ ق.م. به همراه مواد ۱۱۰۷ و ۱۱۳۳ ق.م. تحت عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون مدنی» در نهم آبان ۸۱ اصلاح گردید. ماده ۱۱۱۰ سابق تصریح نموده بود: «زن در عده وفات نفقه ندارد.» در اصلاح اخیر، ماده به این صورت تغییر یافت: «در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد.» این مقاله ضمن این‌که نفقه عده وفات را در فقه مورد پژوهش قرار داده، به ذکر شرح مفسران در خصوص آیه ۲۴۰ سوره بقره که موضوع آن وصیت به انفاق در زمان عده وفات می‌باشد، پرداخته است. در نهایت نیز با تکیه بر مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، درصدد تبیین و تفسیر این ماده و ایرادات وارد بر آن برآمده و پیشنهاداتی را نیز، ارائه نموده است.

واژگان کلیدی

نفقه زوجه، زوجه باردار، اقارب، عده وفات

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی

مقدمه

ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی ایران مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷ مقرر می‌داشت: «در عده وفات، زن حق نفقه ندارد.»^۱ بیشتر حقوق‌دانان، اطلاق این ماده را شامل زن باردار و غیر باردار می‌دانند و معتقدند که قانون‌گذار در این ماده از نظریه مشهور فقهای امامیه تبعیت کرده است. (شایگان، ۱۳۷۵، ص ۲۶۹؛ حائری شاه باغ، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۷۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۶؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۱۸؛ محقق داماد، ۱۳۷۲، ص ۳۰۵؛ طاهری، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۲۰۸) ولی بعضی از ایشان با قبول اطلاق ماده فوق، این شمول را مخالف ملاک و روح ماده ۱۱۰۹ که برای زن باردار در عده طلاق بائن و فسخ نکاح، حق نفقه از مال شوهر قرار داده است، می‌دانند ولی انصاف و عدالت قضایی ایجاب می‌کند که از نظریه شیخ طوسی پیروی نموده و قائل شد که زن در صورت حامله بودن در عده وفات، مستحق نفقه است و بایستی نفقه او از ترکه شوهر تأمین شود. بنابراین، چون مبنای نفقه بر روابط خانوادگی استوار گردیده، رابطه‌ای است شخصی، که با از بین رفتن شخص شوهر، محل وجوب نفقه نیز از میان می‌رود و افراد دیگری مکلف به پرداخت آن نمی‌باشند. البته اگر سهم الارث که از ناحیه شوهر به زن رسیده است، کفاف زندگی او را نکند، حکومت اسلامی و سایر نهادهای خیریه و وظیفه دارند که وی را تحت حمایت مالی قرار داده و تأمین کنند. اولین کسی که این دیدگاه را مطرح کرد، دکتر امامی بود. وی در توضیح نظر خویش بیان می‌دارد که فقهای امامیه در نفقه زن حامل در عده وفات دارای دو قول هستند. قول مشهور بر آن است که زن حامل در مدت عده وفات مستحق نفقه نمی‌باشد. قول دیگر که عقیده شیخ و پیروان او می‌باشد، بر آن است که نفقه حامل در مدت عده برای حمل (جنین) است و بدین جهت زن حامل در مدت عده وفات مستحق نفقه خواهد بود. (قمی، ۱۴۱۳. ه. ق، ج ۱، ص ۱۵۵)

نقدی که بر نظر دکتر امامی مطرح است این است، که ایشان در بیان عقیده شیخ و پیروانش معتقد است که نفقه حامل در عده وفات برای حمل است و سپس این رأی را در کنار رأی دیگر فقهای شیعه قرار می‌دهد که نفقه زن باردار را در عده طلاق بائن و فسخ نکاح برای مادر یا جنین او می‌دانند و آن گاه این دو فرع را با یکدیگر مقایسه

می‌کند؛ در حالی که نظر شیخ طوسی و مشهور قداما این نیست که نفقه برای چه کسی است بلکه نکته اصلی رأی آنان این است که نفقه زن از چه مالی است. ایشان نفقه زن را از سهم الارث جنین می‌دانند و لذا قول به وجوب نفقه برای زن باردار در عده وفات از اصل ترکه که ظاهراً مورد دفاع دکتر امامی و پیروان ایشان است، مخالف اجماع شیعه است و با هیچ گونه قیاس و استدلالی قابل اثبات نیست. اما این ماده در سال ۱۳۸۱ اصلاح و ماده مزبور مقرر نمود: «در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عندالمطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد.»

دلیل اصلاح ماده فوق این بود که پس از فوت شوهر و قطع رابطه زوجیت و سقوط نفقه زوجه از تاریخ فوت، زوجه از حیث مالی دچار مشکل می‌شود. به ویژه، اگر زوجه شاغل نبوده و از نظر مالی وابسته باشد. بنابراین، طبق مفاد ماده ۱۱۵۴ ا.ق.م، در ایام عده وفات که چهار ماه و ده روز است، مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است (مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود)، مخارج زندگی زوجه که در حکم نفقه است، تأمین می‌گردد یعنی در صورت عدم پرداخت مخارج زندگی زنی که شوهرش فوت نموده است، مخارج زندگی اش در مدت عده، از محل اموال نزدیکان شوهر متوفی که بایستی نفقه را بپردازند، تأمین می‌شود. بدین ترتیب، ظاهراً زن حامل نیز از نفقه برخوردار خواهد شد.

۱. پیشینه فقهی موضوع: دیدگاه‌ها در خصوص نفقه مطلقه بانته

برخی از حقوقدانان اطلاق ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی (مصوب ۱۳۱۴/۱/۱۷) را که هرگونه نفقه‌ای را از زن در عده وفات نفی می‌کند، مخالف ملاک و روح ماده ۱۱۰۹ که در مورد نفقه زن در عده طلاق بائن است، می‌دانند.^۲ آنان همچنین نفی نفقه از زن باردار در عده وفات را بر خلاف عدالت و انصاف دانسته‌اند. استدلال این دسته از حقوقدانان در اثبات لزوم پرداخت نفقه زوجه در عده وفات این است که اظهار نظر حقوقی راجع به نفقه زن حامل در مدت عده وفات بستگی به آن دارد که دانسته شود موجب استحقاق نفقه زن حامل در مدت عده طلاق بائن به دستور ماده ۱۱۰۹ چیست.

۱-۱. نفقه مطلقه باینه برای حمل

در صورتی که نفقه مطلقه باینه برای حمل باشد، اولاً، از موارد انفاق به قرابت است و شوهر به اعتبار آن که پدر حمل می‌باشد، نفقه زن حامل را می‌دهد. بنابراین چنانچه حمل از خود دارایی داشته باشد از دارایی او باید نفقه پرداخت گردد و هرگاه دارایی ندارد، پدر باید آن را بپردازد و هرگاه پدر نتواند انفاق کند، نفقه به عهده جد پدری است. ثانیاً، نفقه گذشته اقارب قابل مطالبه نمی‌باشد. بنابراین چنانچه شوهر آن را ندهد، زن مطلقه نمی‌تواند نسبت به مدت گذشته از او بخواهد. ثالثاً، نفقه اقرب به قدر رفع حاجت منفق علیه با در نظر گرفتن درجه‌ی استطاعت منفق می‌باشد. از نظر تحلیلی، نفقه مطلقه باینه در مدت حمل ممکن است برای حمل (جنین) او باشد؛ بدین معنی که پدر از بابت نفقه اقارب به فرزند خود که در حال حمل است، نفقه می‌دهد و چون جنین نمی‌تواند مستقیماً از دهن تغذیه نماید، به مادر داده می‌شود تا به وسیله خون او تغذیه کند و ممکن است نفقه برای زوجه مطلقه که مادر حمل است، باشد. آثار و احکام هر یک از دو فرض ذیلاً مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۲. نفقه مطلقه باینه برای حامل

در صورتی که نفقه مطلقه باینه برای حامل باشد، اولاً، شوهر به اعتبار زوجیت سابق، نفقه به زن مطلقه خود در مدت حمل می‌دهد. ثانیاً، نفقه مدت حمل از حیث مقدار مانند نفقه زوجیت متناسب با وضعیت زن می‌باشد. ثالثاً، نفقه گذشته دین است و بر عهده شوهر است و مطلقه می‌تواند آن را از او بخواهد.

۱-۳. آثار هر یک از دو فرض و ارزیابی آن

از نظر قضایی تصوّر می‌رود که باید متابعت قول مشهور را نمود؛ زیرا با توجه به ظاهر ماده ۱۱۰۹ (که شوهر را مکلف به دادن نفقه به زن حامل در مدت عده طلاق باین می‌داند) معلوم می‌گردد که قانون مدنی در مقام بیان حکم نفقه زن حامل و غیر حامل در مدت عده می‌باشد و در مورد عده وفات آن را تفکیک ننموده است. بنابراین می‌توان به اطلاق ماده ۱۱۱۰ استناد جست و زن حامل را در مدت عده وفات مستحق نفقه ندانست ولی انصاف و عدالت قضایی ایجاب می‌نماید که پیروی از قول شیخ

نموده و از روح ماده ۱۱۰۹ که استحقاق زن را به نفقه در مدت عده طلاق باین متوقف به حمل نموده، استنباط کرد که انفاق به زن مطلقه در این مدت برای حمل است و الا طلاق باین خصوصیتی ندارد که این حکم انحصاری را دارا باشد. بنابراین زن حامل در مدت عده وفات مستحق نفقه می‌باشد و ماده ۱۱۱۰ ناظر به عده وفات زن غیر حامل است. (امامی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۹۴)

برخی از حقوقدانان با طرح دیدگاه فوق به دفاع از آن پرداخته، آن گاه اشکالی را بر این نظریه مطرح کرده و سپس درصدد پاسخ آن برآمده‌اند. این دو حقوقدان معتقدند که ممکن است گفته شود که زن آبستنی که در عده وفات است، از شوهر ارث می‌برد و از سهم الارث خود می‌تواند مخارج خویش را تأمین کند، ولی ممکن است چیزی زائد بر دیون شوهر باقی نماند، یا آنچه از ترکه متوفی پس از کسر دیون و وصایا به زن می‌رسد، ناچیز باشد و کفاف مخارج او را ندهد. (صفایی و امامی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵۹) در چند سال اخیر نیز طرحی به وسیله بعضی از مدافعان حقوق زنان در ایران برای اصلاح ماده ۱۱۱۰ مطرح شده است که در آن به بیان موقعیت اقتصادی زنان در کشور و وابستگی معیشتی بیشتر آنان به شوهرانشان که در دوران عده وفات گسسته می‌گردد و از سوی دیگر حق ازدواج نیز از آنان سلب شده است، اشاره گردیده و با استعانت از دیدگاه دکتر امامی و نیز استناد به آیه ۲۴۰ سوره بقره، خواستار اصلاح قانون و قراردادن حق نفقه برای زنان بیوه باردار و غیر باردار در دوران عده شده‌اند. (بازگیر، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۴۲)

در ارزیابی و بررسی این دیدگاه بایستی به برخی نکات ضروری و عوامل مهمی توجه نمود؛ اولاً، از ظاهر عبارات دکتر امامی چنین به نظر می‌آید که ایشان برداشت صحیحی از نظر شیخ و مشهور قداما در موضوع نفقه در عده وفات نداشته‌اند و بر اساس همان برداشت به مقایسه این موضوع با موضوع نفقه زن باردار در عده طلاق باین پرداخته است. ثانیاً، تنقیح مناط و یا به تعبیر بعضی قیاس ماده ۱۱۱۰ به ماده ۱۱۰۹ استدلال اصلی این رأی می‌باشد. دکتر کاتوزیان، از ناقدان این نظریه، به نیکی به نقد این دلیل می‌پردازد و قیاس این دو ماده را به یکدیگر مردود می‌شمارد. اعتقاد وی بر این است که در ماده ۱۱۰۹ تکلیف مربوط به انفاق زن باردار مطلقه به طلاق باین ویژه شوهر است و در فرض ما دارایی شوهر پس از فوت او به بازماندگانش رسیده است؛

به کسانی که هیچ وظیفه‌ای در پرداختن هزینه زندگی زن مورث خود ندارند. درست است که دیون شخص پس از مرگ او به ورثه منتقل می‌شود، چنان که اگر مرد از بابت نفقه گذشته بدهی داشته باشد آنان باید بپردازند، ولی نفقه آینده زن هنوز در زمره دیون او نیامده است.

وی سپس به طرح اشکال مقرر و پاسخ آن می‌پردازد که اگر کسی از اطلاق ماده ۱۱۰۹ که نفقه مطلقه رجعی را بر عهده شوهر نهاده است، استفاده کند که پس در صورت فوت شوهر در زمان عده نیز نفقه بقیه مدت بر عهده ورثه متوفی است، چنین پاسخ می‌گیرد که این ماده چنین اطلاق ندارد؛ زیرا مطلقه رجعی در دوران عده در حکم زوجه است و با مرگ شوهر همچون زوجه می‌بایست عده وفات نگه دارد، نه عده طلاق رجعی و در حکم نفقه نیز تابع احکام عده وفات است. همچنین در مواردی که زن باردار در عده طلاق بائن یا فسخ نکاح باشد و شوهر او بمیرد، زن ادامه عده خویش را نگه می‌دارد و چون در حکم زوجه نمی‌باشد، عده او به عده وفات تغییر نمی‌یابد و نفقه‌ای نیز از جانب وارث به او تعلق نمی‌گیرد. (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۹۷) نکته سوم اینکه استدلال به عدالت و انصاف نیز مخدوش است؛ زیرا عدالت اقتضا نمی‌کند از مالی که به سبب مرگ شوهر به ورثه منتقل شده است، ورثه‌ای که در میان آن‌ها ممکن است فرزندان صغیر و یا افراد نیازمندی باشند، به بیوه‌ای داده شود که خود نیز سهمی از ارث می‌برد؛ حتی اگر فرض کنیم زن هیچ سهمی از ارث نبرده و یا سهم ناچیزی از ارث نصیب او گردیده که کفایت نفقه دوران عده را نمی‌کند، باز عدالت اقتضا نمی‌کند از مالی که بر اساس اصول و قواعد روشن به ورثه یا طلبکاران منتقل شده است، به وی پرداخت شود. به نظر می‌رسد کسانی که در این مسئله به عدالت استدلال می‌کنند ناخودآگاه گرفتار این ارتکاز غلط در نزد بعضی از عوام شده‌اند که میان ماترک و مالک گذشته آن که مرده است، یک نحوه تعلق ملکیتی همچنان برقرار می‌کنند و لذا انتظار دارند بیوه او در دوران عده به حال خود واگذار نشود و همچون گذشته از مال شوهرش بهره‌مند گردد؛ در حالی که علقه ملکیت با مرگ شوهر به طور کامل گسسته شده است و در صورت نیاز زن، مشکل وی را باید به گونه‌ای دیگر حل کرد، نه از طریق انفاق اجباری از مال دیگران.

۲. دیدگاه حقوقدانان در تفسیر ماده ۱۱۱۰ اصلاحی

به علت وجود ابهاماتی که در الفاظ ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی وجود دارد، تفاسیر متفاوتی از این قانون شده که ما به بررسی این تفاسیر می‌پردازیم.

۲-۱. عدم وجود حکم

دسته اول، حقوقدانانی که در خصوص ماده اصلاحی اظهار نظر نموده‌اند، معتقدند که ماده متضمن حکم جدیدی نیست (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲) در واقع چون بعد از وفات شوهر رابطه زوجیت قطع می‌گردد، فرد متوفی نمی‌تواند مکلف به پرداخت نفقه باشد. به همین جهت قانونگذار با وضع این ماده، مسئله را در چارچوب نفقه اقارب حل کرده است؛ یعنی اقارب نسبی در خط عمودی مشروط به این‌که منفق علیه، ندار باشد به‌طور متقابل نسبت به یکدیگر موظف به پرداخت نفقه می‌شوند. (یثربی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹)

در واقع این حقوقدانان منظور از اقارب در ماده اصلاحی را اقارب نسبی زوجه تلقی نموده‌اند. در نقد و بررسی این متن، اولاً اصلاح ماده ۱۱۱۰ ق.م. لازم نبود، ثانیاً متن اصلاح شده به دلایل ذیل نادرست و غیر فنی نوشته شده است؛

۲-۱-۱. طبیعت حقوق اشخاص و ارث در قانون مدنی

به نظر می‌رسد علت این که در قانون مدنی تصریح شده بود که به زن در ایام عده وفات نفقه تعلق نمی‌گیرد مبتنی بر طبیعت حقوق اشخاص و ارث در قانون مدنی ایران است زیرا:

اولاً: به موجب ماده ۹۵۶ قانون مدنی با مرگ، شخصیت حقوقی متوفی (زوج) پایان می‌پذیرد و لذا ازدواج وی منحل می‌شود و نفقه زوجه که از آثار و احکام زوجیت است منتفی می‌شود زیرا همانگونه که برخی از حقوقدانان بیان کرده‌اند، انفاق یک فعل ارادی مستمر است و قائم به شخص منفق می‌باشد و پس از مرگ نمی‌تواند کسی را ملزم به انفاق نمود.

ثانیاً: به موجب مواد ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰ قانون مدنی و مواد ۲۵۸ و ۲۳۴ قانون امور حسبی با مرگ، اموال متوفی به طور قهری به ورثه منتقل می‌شود که موظف به

پرداخت دیون متوفی می‌شوند. ضمناً با توجه به این که زوج فوت نموده نفقه پس از فوت وی، جزء دیون متوفی نیست تا برعهده‌ی وارث باشد. ثالثاً: برخی علت اصلاح ماده ۱۱۱۰ ق.م را این می‌دانند که همانطور که در ماده ۱۱۰۹ ق.م زن مطلقه در عده طلاق باین مستحق دریافت نفقه می‌باشد در عده وفات نیز زن مستحق دریافت نفقه می‌باشد. در حالی که پرداخت نفقه به زن حامل در عده طلاق باین و فسخ نکاح را باید استثنائی بر عدم استحقاق نفقه زوجه بعد از انحلال زوجیت دانست و نمی‌توان این استثنا را به موارد مشابه تسری داد. حال در اصلاح اخیر، ضمن حذف ماده‌ای که مبتنی بر چند باب قانون مدنی و آراء فقها می‌باشد، ماده‌ی جدیدی انشاء شده است. تغییر به وجود آمده، آن است که جمله‌ی سلبی تبدیل به جمله‌ی ایجابی شده است و چون زوج، متوفی است و نفقه نیز جز دیون وی قرار نمی‌گیرد لذا ناگزیر اقارب به عنوان منفق در نظر گرفته شده‌اند. در این جا لازم است به شرایط و قواعد نفقه اقارب توجه نموده و سپس به تحلیل این اصلاحیه پرداخته شود:

۲-۱-۲. ماده ۱۱۱۰ مصوب ۱۳۸۱ و شرایط نفوذ آن

نفقه اقارب تابع مجموعه شرایط و حدودی است که در مواد ۱۱۹۵ الی ۱۲۰۶ قانون مدنی درج گردیده است. مهم‌ترین شرایط آن این است که منفق‌الیه باید نیازمند بوده و قادر به امرار معاش نباشد. منفق مستطیع بوده و قادر به تأمین معاش خود و همسرش باشد و منفق و منفق‌الیه رابطه‌ی خویشاوندی در خط عمودی با رعایت قاعده الاقرب فالاقرب موجود باشد.

در ماده‌ی اصلاحی نیز با قید "اقاربی که پرداخت نفقه به عهده‌ی آنهاست" شروط نفقه اقارب باید وجود داشته باشد.

نکته‌ی اول که به ذهن متبادر می‌شود این است که ارتباط نفقه اقارب با فوت

شوهر چیست؟

آیا منظور این است که اقارب باید از ترکه‌ی متوفی یا سهم الارث خود بپردازند؟ که با توجه به عدم تصریح قانون‌گذار ممکن نیست. ضمن این که چه بسا «اقارب زوجه» نسبتی با «زوج متوفی» نداشته باشند مثل زنی که همسر دوم مردی بوده است و

فاقد اولاد مشترک است در این صورت اقارب زن که نفقه به عهده‌ی اوست پدر و مادرش یا فرزندان است که از زوج اول وجود داشته است. پس باید نتیجه گرفت هیچ ارتباطی بین فوت شوهر زن با اقارب نسبی زن وجود ندارد. جز این که فرض شود با «فوت شوهر زن استحقاق انفاق از سوی اقارب را می‌یابد» که این نیز در همه‌ی وجوه صحیح نیست و چه بسا زنانی که با توجه به دارایی شخصی خود یا برخورداری از امکان اشتغال پس از فوت شوهر مستحق نفقه اقارب نمی‌باشند. لذا باید یادآوری کرد طبق قواعد حاکم بر نفقه اقارب چنان چه منفق (اقاربی که نفقه به عهده‌ی آن‌هاست) استطاعت نداشته باشد یا توانایی مستطیع شدن را ندارد یا این که منفق من غیر عمد بی کار است و یا این که وقتی زن محتاج و نیازمند نیست از این نفقه نمی‌تواند برخوردار شود. پس صرف برداشتن جمله‌ی نافیه‌ی گذشته، مفید فایده‌ای نیست.

نکته‌ی دوم این که از نظر فقها سبب وجوب نفقه زوجیت یا قرابت است. «لاتجب النفقه الا باحد اسباب ثلاثه: الزوجیه، والقرباه و الملک». قانون مدنی، به تبع فقه احکام نفقه، زوجه را از نفقه اقارب جداگانه بیان نموده است. در حالی که بین نفقه زوجه و نفقه اقارب تفاوت‌هایی وجود دارد. از جمله اینکه نفقه اقارب، بر کسی واجب می‌شود که متمکن از دادن نفقه باشد. (ماده ۱۱۹۸ ق.م.) همچنین کسی مستحق نفقه می‌شود که نیازمند باشد (ماده ۱۱۹۷ ق.م.) و اگر اقارب قادر باشند نیازهای خود را تأمین نمایند، مستحق نفقه نخواهد بود. اما نفقه زوجه چنین نیست. زوجه مستحق نفقه است حتی اگر متمکن باشد. زوج نیز ملزم به پرداخت نفقه است. اگر چه نیازمند باشد. در فرض اخیر، نفقه زوجه به عنوان دین در ذمه زوج باقی می‌ماند و هر وقت بتواند باید بپردازد. باتوجه به اصلاحیه اخیر ماده ۱۱۰۷ ق.م. نفقه زوجه و نفقه اقارب از حیث مصادیق و اجزاء نیز با هم متفاوت هستند که این مطلب از مقایسه متن جدید ماده ۱۱۰۷ ق.م. و ماده ۱۲۰۴ ق.م. روشن می‌شود. تفاوت دیگر نفقه اقارب و زوجه در تقدم نفقه زوجه بر نفقه اقارب است. (ماده ۱۲۰۳ ق.م.) بنابراین اگر بین زن و مردی علقه زوجیت نباشد، وی می‌تواند به قرابت مستحق نفقه شود و در این صورت، نفقه زن تابع شرایط و احکام نفقه اقارب است. در نتیجه لازم نیست قانون مدنی حکم نفقه زوجه را پس از فوت شوهر بیان نماید زیرا پس از فوت شوهر، اگر زن شرایط استحقاق نفقه را داشته باشد، بر اساس آنچه در مواد ۱۱۹۶ ق.م. به بعد آمده است، عمل می‌شود. حال اگر

زوجه متوفی، نیازمند باشد، پدرش باید نفقه او را بدهد (البته اگر پدر متمکن باشد). این حکم اختصاص به دوران عده زوجه در عده وفات ندارد و تا زمانی که شوهر دومی اختیار نکرده باشد، همین حکم اجرا می‌شود. بنابراین در قانون هیچ خلاً یا ابهامی وجود نداشت تا اصلاح ماده ۱۱۱۰ ق.م. ضرورت داشته باشد. متن جدید هیچ نکته تازه‌ای بیش از آنچه قبلاً در قانون وجود داشت، ندارد. با وجود آن که متن اصلاح شده ماده ۱۱۱۰ ق.م. سه برابر طولانی تر از متن پیش از اصلاح است.

نکته سوم آن که، با قید کلمه «عندالمطالبه» که در متن ماده اصلاحی آمده است این ابهام را ایجاد می‌کند که اگر زوجه مطالبه نفقه کند و نیازمند نباشد پرداخت نفقه او به عده‌ی اقارب خواهد بود؟ در حالی که طبق ماده‌ی ۱۱۹۷ قانون مدنی، منفق‌الیه محتاج و نیازمند باشد و دارایی کامل نداشته باشد و به وسیله‌ی امرار معاش نتواند مخارج خود را تهیه کند. به نظر می‌رسد که ولو این ماده‌ی اصلاحی در خصوص سایر شرایط نفقه اقارب ساکت است ولی تابع همان شرایط می‌باشد.

نکته‌ی چهارم این که، با توجه به صدر ماده که مقرر می‌دارد «در ایام عده وفات» این سؤال مطرح می‌شود که آیا در غیر ایام عده وفات، چه قبل از فوت زوجه و در صورت عدم کفایت دارایی شوهر برای انفاق همسرش و چه پس از فوت و انقضای ایام عده، اقارب او هیچ مسئولیتی ندارند؟

به عبارت دیگر اقارب نسبی زن در غیر ایام عده وفات (در حیات شوهر یا پس از فوت و پس از عده) در صورت جمع بودن همه‌ی شرایط انفاق اقارب می‌توانند از پرداخت نفقه خودداری کنند؟ از آن جا که هدف مقنن تضییق حقوق زنان نبوده طبیعی است که ذکر "ایام عده وفات" را نمی‌توان مانع غیر ایام عده دانست و لذا بایر بر آن شد که این ماده فاقد بار حقوقی مختص به خود می‌باشد. بلکه استناد به پرداخت نفقه توسط اقارب را در این ایام تأکید نموده است و بر ناتوانی زن از تأمین معاش خود در ایام عده وفات پافشاری کرده است که اصرار اخیر، در مورد همه‌ی زنان صادق به نظر نمی‌رسد.

نکته پنجم. ممکن است هدف قانون گذار از اصلاح ماده ۱۱۱۰ ق.م این باشد که بیان نماید زن در عده وفات در هر حال مستحق نفقه است، اعم از آنکه متمکن یا

نیازمند باشد؛ این احتمال اگر درست باشد، می تواند به عنوان پیام و حکم جدید قانون تلقی شود. لکن در این صورت، متن جدید ماده ۱۱۱۰ ق.م. در تعارض آشکار با مواد ۱۱۹۸ و ۱۱۹۷ ق.م. قرار دارد و علاوه بر آن مغایر با شرع است. بنابراین باید اطلاق متن اصلاح شده با توجه به مواد مذکور تبیین شود.

نکته ششم. متن اصلاح شده، برخلاف قصد قانونگذار به سلب حقوق زوجه انجامیده است؛ زیرا استحقاق زن برای دریافت نفقه اقارب، به دوران عده وفات اختصاص ندارد، بلکه تا هر زمان که زن نیازمند باشد و اقارب متمکن باشند، این حکم نیز استقرار می یابد. اما متن اصلاح شده، استحقاق زن را محدود به دوران عده وفات کرده است: «در عده وفات مخارج زندگی زوجه ... تأمین می گردد.»

مفهوم این عبارت می رساند، که پس از عده وفات، زن حقی بر گردن اقارب ندارد. اگر هم این عبارت مفهوم نداشته باشد، در این صورت عبارت «در عده وفات» زاید است.

لذا برخی از حقوقدانان متن اصلاح شده را با قطع نظر از ایرادهای ادبی و عبارات اضافی، غیر لازم و بسیار مبهم دانسته اند و اظهار داشته اند: ظاهراً منظور این است که زنی که شوهرش وفات کرده است، اگر حامل باشد، نفقه او بر عهده اقاربش است. چنان که اقاربی غیر از جنین دارد، به صورت مشترک و اگر ندارد، از اموال جنین باید برداشت شود. اگر وی حامل نباشد نیز نفقه اش بر عهده اقارب خود اوست ولی ماده اصلاحی به جای بیان این مطلب، مستقیم سراغ محل تأمین نفقه او از اموال اقاربش رفته است. امری که از مواد قانونی مبحث نفقات استنباط می شد و نیازی به طرح آن در اینجا نبود. (محقق داماد، ۱۳۷۲، ص ۳۰۵)

برخی از حقوقدانان اظهار داشته اند که ظاهراً ابتدا نظر قانونگذار بر این بوده است که برای زن آبستن در عده وفات، حق نفقه از ترکه شوهر قائل شود ولی به علت ایراد شورای نگهبان، ماده به این صورت اصلاح شده که متضمن حکم جدیدی نیست و در گذشته وجود داشته است. (صفایی و امامی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲) بنابراین این عده از حقوقدانان، ماده اصلاحی یاد شده را بر نفقه اقارب حمل کرده اند.

از آنجا که این ماده از فقه گرفته شده و در فقه نیز بحث نفقه زن نفیاً و اثباتاً به نفقه زوجیت مربوط است نه اقارب،^۳ می توان گفت که تفسیر ماده اصلاحی به نفقه

اقارب بعید است؛ بلکه به نظر می‌رسد قانون‌گذار نفقه را از مال فرزند، برای زن حامل در نظر گرفته بوده است که با ایراد شورای نگهبان مواجه شده و در نهایت به این شکل ناقص تدوین شده است.

نکته هفتم. در کتب فقهی، مسئله فسخ زوجیت با مرگ یکی از زوجین مورد بحث واقع شده است و فقها نظرات مختلفی راجع به آن داشته و هر کدام برای آن قرائنی آورده‌اند. ظاهراً قول مشهور شیعه آن است که با مرگ یکی از زن و شوهر، رابطه زوجیت از بین می‌رود. لذا؛ پس از مرگ زن، مرد می‌تواند با خواهر او ازدواج کند و اگر چهار زن دیگر بگیرد، زن پنجم محسوب نمی‌شود و حتی حق تمتع با زن مُرده را ندارد و اینکه بعضی از احکام زوجیت مثل جواز نظر و مسّ و غسل دادن، پس از مرگ زوجه باقی است، به معنای بقای زوجیت بین آنها نیست (شیرازی زنجانی، ۱۴۱۹ه.ق، ج ۱۷، ص ۶۴۳)، بلکه این احکام به استناد روایاتی در این موضوع می‌باشند، از جمله؛ این حدیث از امام صادق (ع) که راوی می‌گوید:

سؤال کردم از حضرت امام جعفر صادق (ع) درباره‌ی شخصی که با زن خود به سفر رفته و آن زن بمیرد، آیا آن زن را می‌تواند غسل دهد؟ حضرت فرمودند که بلی و مادر و خواهرش و امثال اینها از محارم را می‌تواند غسل دهد، به این صورت که بر عورت آن زن پارچه‌ای می‌اندازد و او را غسل می‌دهد.^۴ (قمی، ۱۴۱۳ه.ق، ج ۱، ص ۱۵۵)

ظاهر این حدیث دلالت می‌کند که پس از موت زوجه و سایر محارم، می‌توان آنها را بدون لباس غسل داد، به غیر از عورت که باید پوشانده شود، اما اکثر علما در محارم معتقدند که لباسی پوشانده شود، سپس آنها را غسل دهند و در زوجه پوشاندن عورت کافیست. (مجلسی، ۱۴۱۴ه.ق، ج ۲، ص ۲۸۳)

لذا پس از فوت شوهر، دیگر همسر «زوجه» نامیده نمی‌شود زیرا نکاح یک عقد قائم به شخص است که با فوت یکی از طرفین منحل می‌شود. قانون‌گذار در متن اصلاح شده بیان می‌کند: «در عده وفات، مخارج زندگی «زوجه» عندالمطالبه...»، صحیح آن بود که به جای کلمه «زوجه» از کلمه «زن» در متن اصلاحی استفاده می‌شد، زیرا با فوت زوج یا زوجه زوجیت قطع می‌شود. بنابراین معلوم می‌گردد اصلاح ماده ۱۱۱۰

ق.م. درست نبوده و تهیه متن جدید با توجه به دانش حقوقی و با مطالعه صورت نگرفته است.

نکته هشتم. قانون‌گذار از اصطلاح شناخته شده «نفقه» استفاده نکرده و عبارت «مخارج زندگی زوجه» را به کار برده است. این عبارت مبهم است و مشخص نیست شامل چه مواردی می‌شود؟ اگر مقصود همان نفقه است، چرا به جای یک کلمه روشن و مصطلح از کلمات دیگری استفاده و ابهام ایجاد کرده است و اگر مفهوم چیز دیگری است، چرا قانون‌گذار مفهوم خود را واضح بیان نکرده است؟

۲-۲. وجود حکم جدید در ماده ۱۱۱۰ اصلاحی

دسته دوم حقوق‌دانانی که در خصوص ماده اصلاحی اظهار نظر نموده‌اند، معتقدند که ماده متضمن حکم جدیدی است. در واقع این نویسندگان منظور از اقارب در ماده اصلاحی را اقارب متوفی (ورثه) تلقی نموده‌اند.

۲-۲-۱. بررسی فرآیند تدوین ماده ۱۱۱۰ اصلاحی

با دقت در روند تصویب این ماده روشن می‌گردد که قانونگذار چه مفهومی را از «اقارب» مدنظر داشته است، بدین توضیح که:

اولاً مجلس شورای اسلامی در مصوبه اولیه از عبارت «سهم‌الارث اقارب» استفاده نموده که به‌طور واضح نشان می‌داد منظور، ورثه متوفی (اقارب متوفی) است. ثانیاً در نظریه شورای نگهبان نیز همین عبارت به‌کار رفته است. ثالثاً در گزارش ثانوی که پس از رفع ایراد شورای نگهبان در مجلس شورای اسلامی مطرح گردیده، عبارت «سهم‌الارث اقارب» و «سهم‌الارث اقارب متوفی» نام برده شده است که همگی مؤید این مطلب است که منظور از اقارب در مصوبه اولیه و ثانویه، همان اقارب متوفی (ورثه) است.

توجه به این نکته ضروری است که شورای نگهبان هیچ ایرادی به این‌که ورثه (اقارب متوفی) موظف به تأمین مخارج زندگی همسر متوفی در دوران عده می‌باشند، وارد نکرده است بلکه ایراد شورای نگهبان متوجه این نکته است که «نمی‌توان نفقه را از سهم‌الارث اقارب بدون رضایت آنان برداشت بلکه آنان (اقارب متوفی) می‌توانند

نفقه را از غیر سهم‌الارث بپردازند». به عبارت دیگر در نظریه شورای نگهبان ذکر نشده است که «حکم به تأمین نفقه توسط اقارب متوفی خلاف شرع تشخیص داده شده است» بلکه آمده «حکم به تأمین نفقه از سهم‌الارث اقارب خلاف شرع تشخیص داده شده است».

مجلس در جهت رفع ایراد شورای نگهبان از مصوبه اولیه صرفاً به حذف واژه «سهم‌الارث» و جایگزینی کلمه «اموال» اکتفا نمود، بدون توجه به این نکته که قرینه‌ی دیگری در ماده بکار رود تا روشن شود که منظور قانونگذار از اقارب، اقارب متوفی (ورثه) می‌باشد.

بنابراین و با تأسف، در تدوین و وضع ماده دقت لازم بکار نرفته و به صورت غیرفنی تدوین گردیده است که از این رهگذر ابهام مهمی در مسیر تغییر ماده قانونی رخ داده است، یعنی به هدف رفع مشکلی، مشکل بزرگتری به وجود آمد.

البته در مقام توجیه این بی‌دقتی می‌توان گفت چون برای مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان مفهوم اقارب روشن بوده، لذا دقت کافی در تبیین مفهوم اقارب صورت نگرفته است تا قرینه‌ای بکار رود و مفهوم واقعی را برساند. در حالی که ذهن خواننده از جمله «اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است» منصرف به مباحث نفقه اقارب در مواد ۱۱۹۶ به بعد قانون مدنی می‌گردد که اقارب نسبی هر شخص در صورت وجود شرایط مذکور در این مواد مکلف به انفاق هستند.

واژه «سهم‌الارث» در مصوبه اولیه بیانگر دو نکته بود:

اولاً قرینه‌ای بود بر این که مقصود از اقارب، اقارب متوفی (ورثه) می‌باشد. ثانیاً فرض ماده در موردی بود که از ماترک متوفی با کسر هزینه کفن و دفن و دیون و اجرای وصیت (در صورت وجود) میراثی بر جای مانده باشد که به ورثه رسیده باشد. در واقع ماده فرض را بر این گرفته بود که چون سهمی به این اقارب رسیده، آنها نیز موظف به تأمین مخارج زندگی زوجه متوفی در دوران عده وفات (چهار ماه و ده روز) بشوند. در غیر این صورت الزام آنها به این تکلیف بی‌انصافی به نظر می‌رسد.

در هر حال نمی‌توان پذیرفت که مجلس با حذف واژه «سهم‌الارث» در این صدد بوده که مکلف را از اقارب متوفی (ورثه) به اقارب نسبی زوجه تغییر دهد، چراکه

خواست شورای نگهبان نیز این نبوده است. نظر شورا این بوده که «آنان (ورثه) می‌توانند نفقه را از غیر سهم‌الارث بپردازند». مجلس نیز در جهت رعایت نظر شورا و برطرف کردن ایراد وارد به مصوبه‌ی مجلس، ماده را به نحو کنونی تغییر داد. یکی از نویسندگانی که مفهوم اقارب در ماده اصلاحی را به اقارب نسبی زوجه تعبیر کرده، ضمن اینکه ماده را متضمن حکم جدیدی نمی‌داند، از آن نتیجه گرفته که «ذکر عبارت در ایام عده وفات، نیز زائد است چراکه در غیر ایام عده وفات نیز چنانچه شرایط انفاق به اقارب وجود داشته باشد، باید اقارب نسبی زوجه، نفقه وی را بپردازند و صرفاً تأکید بر پرداخت نفقه توسط اقارب وی می‌باشد». (بداغی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۳)

۲-۲-۲. شرایط اعمال ماده ۱۱۱۰ اصلاحی

با مطالعه روند تصویب ماده، ضمن این که معلوم شد ماده متضمن حکم جدیدی است، به این دلیل که مخارج زندگی همسر متوفی در این دوران را برعهده وراثت قرار داده به این نکته نیز اشاره دارد که ذکر عبارت «در ایام عده وفات» بیانگر این مطلب است که تکلیف پرداخت نفقه توسط وراثت، صرفاً مختص به این ایام است و پس از انقضای عده، چنانچه هنوز زن نیازمند باشد، این بار تکلیف به انفاق برعهده اقارب نسبی زوجه (تابع ضوابط مندرج در ماده ۱۱۹۶ به بعد قانون مدنی) قرار می‌گیرد. بنابراین با توجه به فلسفه وضع ماده اصلاحی که رفع نیازمندی‌های زن می‌باشد، توجه به این نکته لازم است که چنانچه میراثی از متوفی برجای نمانده باشد که به اقارب وی برسد، نمی‌توان آنها را موظف کرد که مخارج همسر وی را در این ایام متحمل شوند، بلکه چنین زنی به موجب قوانین انفاق اقارب باید مورد حمایت اقارب نسبی خود قرار گیرد. در این حالت اقارب وی نه تنها در این ایام، بلکه پس از انقضای عده نیز در صورت تداوم شرایط انفاق اقارب باید نفقه وی را بپردازند. البته در صورتی که ورثه متوفی شامل همسر و فرزندان مشترکشان باشد، این فرزندان در عین حال که اقارب متوفی (ورثه) می‌باشند اقارب نسبی زوجه نیز محسوب و تنها در این حالت است که آنان هم در عده وفات و هم پس از آن - چنانچه شرایط انفاق فراهم باشد - به عنوان منفق مکلف می‌باشند.

اما اگر ورثه متوفی، فرزندان او و از زوجه دیگری باشد باید نسبت به همسر پدرشان، تکلیف ماده اصلاحی را عمل نمایند. در صورت عدم وجود طبقه اول وراث (فرزندان و والدین متوفی)، نوبت به طبقه دوم (خواهر و برادران یا فرزندان آنها) می‌رسد که با همسر متوفی از وراث محسوب شوند و افراد این طبقه که از متوفی ارث برده‌اند مکلف به تأمین مخارج زندگی همسر نیازمند متوفی در عده وفات می‌باشند. منظور قانونگذار از جمله «اقربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است» منحصرأً خویشاوندانی است که از متوفی ارث برده‌اند اعم از این‌که در شمار اقربای موضوع ماده ۱۱۹۶ ق.م محسوب گردیده و یا از آن جمله نباشند.

۳-۲-۲. دلایل اثبات نظریه

دلایل اثبات این مدعی عبارتند از:

- الف. ماده اصلاحی یکی از سه ماده اصلاح شده در «قانون اصلاح موادی از قانون مدنی» است که مهم‌ترین هدف قانونگذار از تدوین این قانون حمایت چشمگیر از جامعه زنان ایرانی بوده است و در این ماده حمایت از زنان بیوه می‌باشد.
- ب. روند تصویب ماده مزبور در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان که شرح آن تفصیلاً ذکر شد.
- ج. دیدگاه برخی مفسرین و فقهای معاصر مبنی بر مستحب دانستن وصیت شوهران به نفع همسران خود با الهام گرفتن از آیهی شریفه ۲۴۰ سوره بقره و معنای مستفاد از آن
- د. مبری دانستن قانونگذار از تصویب قانونی مکرر در مجموعه واحد.
- ه. نظر به این‌که مهم‌ترین فلسفه عده وفات رعایت حرمت شوهر و خانواده اوست؛ لذا عقلاً و منطقاً پذیرفتنی است که از باب «هل جزاء الاحسان الا الاحسان» به زوجه متوفی، خرجی ایامی که در عده وفات است به وسیله وراث متوفی به میزان سهم‌الارثی که از متوفی می‌برند پرداخت گردد.
- و. برخی حقوقدانان تصور کرده‌اند که ماده اصلاحی مختص زن حامل می‌باشد (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲) در حالی که متبادر به ذهن از متن ماده، زن غیرحامل است، به ویژه این‌که در مشروع مذاکرات مجلس و شورای نگهبان هیچ اشاره‌ای به انحصار

آن به زوجه حامل نشده است. ضمن این که در بحث فقهی صورت گرفته نیز به این نتیجه رسیدیم که براساس روایات و نظر فقها، نفقه چنین زنی از سهم الارث حمل وی تأمین می شود.

۳. ایرادات وارد بر نحوه تنظیم ماده ۱۱۱۰ اصلاحی

در ماده اصلاحی، اصطلاحات و کلماتی بکار رفته که بکارگیری آنها موضوعیت داشته و بار حقوقی خاصی را دربردارد که آگاهی از مفهوم آنها در فهم صحیح متن ماده تأثیر مثبت دارد. واژه‌هایی که بررسی آنها مورد نظر است عبارتند از:

۱-۳. زوجه

بهتر این بود که به جای کلمه «زوجه» از واژه «زن» استفاده می شد، زیرا با فوت زوج، زوجیت منحل شده است.

۲-۳. مخارج زندگی

به نظر می رسد عبارت «مخارج زندگی» محدودتر از نفقه زوجه در ماده ۱۱۰۷ ق.م. باشد. مخارج زندگی را می توان به هزینه‌هایی جهت گذران زندگی اطلاق کرد.

۳-۳. عندالمطالبه

در این ماده پرداخت مخارج زندگی زن توسط اقارب، منوط به مطالبه وی شده است. در غیر این صورت، آنها وظیفه‌ای ندارند. اما اگر زن مطالبه کرد، لیکن اقارب مذکور از پرداخت نفقه خودداری کنند زن می تواند به دادگاه ذیصلاح مراجعه نماید.

از دیگر ایرادات ماده‌ی ۱۱۱۰ قانون مدنی می توان به این اشاره کرد که ماده‌ی اصلاحی مطابق با فقه شیعه نمی باشد و مخالف با اجماع فقهاست. اجماع فقها بر این تعلق گرفته است که، زن غیر باردار مستحق دریافت نفقه نمی باشد و زن باردار نیز مستحق دریافت نفقه از حصه‌ی جنین می باشد. لذا دلیلی نداریم مبنی بر این که بتوانیم ورثه‌ی متوفی را ملزم به پرداخت نفقه زن در ایام عده وفات بکنیم. به عبارت دیگر با فوت شوهر عقد نکاح منحل می شود لذا آثار آن نیز از بین می رود. یکی از آثار نکاح، پرداخت نفقه به زن می باشد که با فوت شوهر این الزام از بین می رود و برای استمرار

دریافت نفقه توسط زن نیازمند دلیل می‌باشیم که در این زمینه هیچ دلیلی وجود ندارد و بنابر اجماع فقها زن پس از مرگ شوهر مستحق دریافت نفقه از حصه شوهر نمی‌باشد و در صورت نیاز زن، اقارب نسبی زن؛ در صورت تمکن باید مخارج زن را تأمین کنند و در غیر این صورت حکومت موظف به پرداخت مخارج زندگی زن است. با توجه به مبانی ذکر شده ما دلیلی نداریم که بتوانیم اقاربی که از شوهر ارث می‌برند را موظف به پرداخت نفقه زن در عده وفات کنیم.

دلیل دیگر مبنی بر ایراد ماده این است که بنابر قاعده تسلیط «ان الناس مسلطون علی اموالهم»، ما نمی‌توانیم بدون دلیل سلطه مالکانه افراد را برداریم. به عبارت دیگر ما نمی‌توانیم بدون دلیل، اموال اقارب متوفی را از سلطه آنها خارج کنیم و آنها را موظف به پرداخت نفقه کنیم.

نتیجه

اکثر فقهای امامیه معتقدند زن (اعم از حامل و غیرحامل) در مدت عده وفات، مستحق نفقه از شوهر متوفایش نمی‌باشد و همین نظر مبنای فقهی ماده ۱۱۱۰ سابق قانون مدنی بود. فقها در خصوص عدم تکلیف متوفی به پرداخت نفقه زوجه (خواه حامل و خواه غیرحامل) در عده وفات اختلافی ندارند بلکه اختلاف نظر در این می‌باشد که آیا حامل مستحق نفقه از حصه حمل می‌شود یا خیر؟ روایات وارده بر استحقاق زوجه و صحت آنها، نظری را تقویت می‌کند که زن حامل را مستحق نفقه از حصه حمل می‌داند.

مطالعه روند تصویب ماده اصلاحی در گزارشات مجلس و نظریه شورای نگهبان این موضوع را آشکار می‌کند که قانونگذار به بهانه «قانون اصلاح موادی از قانون مدنی» حمایت‌های قابل توجهی از جامعه زنان ایران معمول داشته است. ماده ۱۱۱۰ اصلاح شده کنونی نیز که در همین قانون به تصویب رسید، تأمین مخارج زندگی زنان بیوه نیازمند در عده وفات را، که ممنوعیت از ازدواج آنها به مدت چهار ماه و ده روز صرفاً جهت حفظ حرمت شوهر متوفایشان است، برعهده وراثت متوفی که به هر حال از وی نصیبی برده‌اند قرار داد. متأسفانه نگارش غیرفنی ماده ابهاماتی را در ذهن نویسندگان پدید آورده و باعث شده که عبارت «اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است» را

حمل بر اقارب نسبی زوجه نمایند و نتیجه بگیرند که ماده در صدد بیان حکم جدیدی نمی‌باشد چراکه ماده اصلاحی نیز با بیان یا انشایی دیگر همان حکمی را که سابقاً وجود داشت دوباره تکرار نموده است و گفته‌اند، چون سابقاً متوفی یا ورثه او در دوره عده وفات مکلف به پرداخت نفقه نبوده و چنانچه زن نیازمند بود باید از طریق نفقه اقارب نسبی خود در خط عمود (فرزندان، پدر و مادر، جد و غیره) تأمین می‌شد و بنابراین ذکر عبارت «در ایام عده وفات» نیز زائد به نظر می‌رسد چراکه نه تنها در آن ایام، بلکه تا زمانی که زن نیازمند و منفق علیه تمکن مالی داشته باشد باید انفاق صورت گیرد. در حالی که منظور واقعی قانونگذار در ماده اصلاحی، اقارب متوفی (ورثه) می‌باشد ولی سهل‌انگاری در تدوین مصوبه دوم، کژتابی خاصی در مصوبه به وجود آورد.

قانون‌گذار در مصوبه اولیه به نوعی در صدد بود که به‌طور غیرمستقیم مخارج زندگی زوجه را از میراث متوفی تأمین نماید به همین دلیل از واژه «سهم الارث» استفاده نمود که این موضوع مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت. نظر شورا بر این بود که نباید ورثه را مجبور کرد این وظیفه را صرفاً از سهم الارث اخذ شده اداء نمایند، بلکه آنان آزادند که جهت تحقق این تکلیف، مخارج زندگی همسر متوفی را از سهم الارث یا غیر سهم الارث (سایر اموال خود) بپردازند.

پس از بررسی فقهی حقوقی نفقه زن در عده وفات می‌توان به این نتیجه رسید که ماده ۱۱۱۰ سابق با اصول و موازین شرعی سازگار می‌باشد و ادله‌ی شرعی مبنی بر اثبات ماده‌ی اصلاحی وجود ندارد. بنابر نظر فقها، زن غیر باردار مستحق دریافت نفقه نمی‌باشد و زن باردار نیز در صورت نیاز، مستحق دریافت نفقه از حصه‌ی جنین می‌باشد، بنابر روایات، قاعده تسلیط و قاعده تأسیس اصل. لذا ماده‌ی ۱۱۱۰ اصلاحی غیر فنی نگارش شده است و نیازمند اصلاح می‌باشد.

یادداشت‌ها

۱. این ماده در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۹ به این شکل اصلاح شده است: (در ایام عده وفات، مخارج زندگی زوجه عند المطالبه از اموال اقاربی که پرداخت نفقه به عهده آنان است (در صورت عدم پرداخت) تأمین می‌گردد). چنان که روشن است، این ماده اصلاحی، منافاتی با نفی نفقه از ماترک زوج و یا سهم الارث جنین ندارد.

۲. ماده ۱۱،۹ ق. م مقرر می‌دارد: نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است، مگر این که طلاق در حال نشوز واقع شده باشد؛ لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد، زن حق نفقه ندارد، مگر در صورت حمل از شوهر خود که در این صورت تا زمان حمل حق نفقه خواهد داشت.

۳. اَعْنَى ثَبُوتِ النِّفْقَةِ لِلْحَامِلِ الْمَتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجَهَا فَقَدْ قَالَ الْمُحَقِّقُ فِي الشَّرَائِعِ فِيهِ رَوَايَاتَانِ: أَشْهَرُهُمَا عَدَمُ الْإِنْفَاقِ. أَقُولُ: رَوَايَاتُ عَدَمِ الْإِنْفَاقِ بَيْنَهَا الصَّحِيحُ وَالْحَسَنُ، وَ لَهَا إِطْلَاقٌ بِالنِّسْبَةِ إِلَى أَصْلِ الْمَالِ وَ نَصِيبِ الْحَمْلِ، فَهِيَ نَاصَةٌ فِي أَنَّهُ لَا نَفْقَةَ لِلْحَامِلِ الْمَذْكُورِ فِي مَالِ الْمَتَوَفَّى، لَا فِي أَصْلِهِ وَ لَا فِي خُصُوصِ حِصَّةِ الْحَمْلِ، وَ لَيْسَتْ بِنَظَرَةٍ إِلَى نَفْقَةِ الْأَقْرَابِ، فَهِيَ بِشُرُوطِهَا ثَابِتَةٌ، بِمَعْنَى أَنَّهُ لَوْ ثَبِتَ مَالٌ لِلْحَمْلِ مِنْ جِهَةٍ غَيْرِ هَذِهِ الْجِهَةِ كَوْصِيَّةٍ وَ نَحْوِهَا، وَ كَانَتْ الْأُمُّ فَقِيرَةً، كَانَ نَفْقَتُهَا فِي مَالِ الْحَمْلِ مِنْ بَابِ نَفْقَةِ الْأَقْرَابِ، وَ أَمَّا مِنْ حَيْثُ هَذِهِ الْحِصَّةُ الْحَاصِلَةُ لِلْحَمْلِ مِنْ مَالِ الْمَتَوَفَّى إِرْثًا فَلَا نَفْقَةَ لَهَا فِيهَا، فَإِنَّ مَالِيَّتَهَا لِلْحَمْلِ مُشْرُوطَةٌ بِسُقُوطِهِ حَيًّا، فَلَيْسَ الْعِزْلُ إِلَّا لِأَجْلِ مَجْرَدِ الْاِحْتِيَاطِ.

۴. «سَأَلَهُ مُنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ - عَنِ الرَّجُلِ يُسَافِرُ مَعَ امْرَأَتِهِ فَتَمُوتُ أَوْ يُغَسِّلُهَا قَالَ نَعَمْ وَ أُمُّهُ وَ أُخْتُهُ وَ نَحْوَهُمَا يُلْقَى عَلَى عَوْرَتِهَا خِرْقَةٌ وَ يُغَسِّلُهَا»

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. امامی، حسن (۱۳۷۳)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامی، ج ۵
۲. بازگیر، یدالله (۱۳۸۶)، قانون مدنی در آئینه آرای دیوانعالی کشور «حقوق خانواده»، تهران: فردوسی، ج ۱
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۸)، حقوق خانواده، تهران: گنج دانش
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۶)، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش
۵. جناتی شاهرودی، محمد ابراهیم (۱۳۷۵)، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: نشر میزان
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تفسیر تسنیم، تهران: مرکز نشر اسرا، ج ۱۱
۷. حائری شاهباغ، سید علی (۱۳۷۶)، شرح قانون مدنی، تهران: گنج دانش، ج ۱
۸. حجتی، محمدباقر و بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۲)، تفسیر کاشف ترسیمی از چهره موزون سور قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۷)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۳۶۴)، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تهران: انتشارات سجاد
۱۱. شایگان، سید علی (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات طه
۱۲. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ه.ق)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی‌پرداز، ج ۱۷
۱۳. صفایی، سیدحسین و امامی، اسدالله (۱۳۸۶)، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان
۱۴. صفائی، سید حسین (۱۳۹۱)، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران: سمت
۱۵. قاسم زاده، سید مرتضی و طالقانی، محمود (۱۳۷۰)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۱
۱۶. طاهری، حبیب الله (۱۳۷۵)، حقوق مدنی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵
۱۷. عدل، مصطفی (۱۳۰۸)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات طه
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱)، حقوق خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۱
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، دوره حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، ج ۲
۲۰. گواهی، زهرا (۱۳۷۳)، بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق، تهران: چاپ سازمان تبلیغات اسلامی

۲۱. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۲). بررسی فقهی حقوقی خانواده- نکاح و انحلال آن، تهران: علوم اسلامی.
۲۲. مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۷۸)، آیات الاحکام، تهران: سمت
۲۳. مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۸۳)، مجموعه نظریات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی دوره ششم، تهران: نشر دادگستر
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲ و ۳
۲۵. هاشمی، اکبر (۱۳۶۶)، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۲
۲۶. یثربی قمی، علی (۱۳۸۷)، حقوق خانواده در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت
۲۷. مسلم نیشابوری، ابوحسین (۱۴۰۸ه.ق)، الصحیح، بیروت: دارالفکر، ج ۴
۲۸. معرفت، هادی (۱۳۷۱)، التمهید فی علوم القرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی و معاونت پژوهشی
۲۹. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ه.ق)، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت: دارالجواد، ج ۲
۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ه.ق)، المقنعه، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید
۳۱. مقدسی، عبد الرحمن بن ابراهیم بن أحمد (۱۴۲۴ه.ق)، العده شرح العمده، القاهره: دار الحدیث
۳۲. نجاشی، ابو الحسن، احمد بن علی (۱۴۰۷ه.ق)، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعہ، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۳۳. روزنامه رسمی (۱۳۸۱)، مذاکرات جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، جلسه ۲۴۳، شماره ۱۶۷۵۶ تاریخ ۸۱/۶/۳